

سیروس نهاوندی

اخیرا نشریه "ستاره سرخ" اطلاعاتی از طرف سازمان انقلابی حزب توده انتشار داده است که در آن سیروس نهاوندی "موضع" بل از دو سال و اندکی کوشش آگاهانه و فعالانه جهت پیشبرد و تکمیل شدن ماهیت واقعی این مزد و زار - تجاع البته هیچ باری را از دست سازمان انقلابی نماند - "سازمان انقلابی" در طی بیش از دو سال که از فاش شدن ماهیت واقعی و ملیسی سیروس نهاوندی و سازش مان آزاد بخش خلقها می او میگرداند، بارها به طرق مختلف از طریق فرج اطلاعاتی برای این مزد و زار شناخته شده ساواک، بخش شایعها و بیرونی میروم که گویا "رفیق کبیر" سیروس نهاوندی در زیر شکمهای امان فرمایش سازمان استتس سبز میرسد و عملیات کینه توزانه به گمانیکه به فاش سازی ماهیت ملیسی این مزد و زار میبازد اختتام و خلاصه با استفاده از همه و هر وسیلهای که در دست داشت در پنهان نگه داشتن ماهیت ملیسی سیروس نهاوندی و نام گسترده ای ساواک "سازمان آزاد بخش خلقهای ایران"، کوشش نمید و در این راه از دست بازین به هیچ خطبه و شنبت بسنه هیچ فریبی ایا نکرد. "سازمان انقلابی" در این راه حتی از دست زدن به شیوههای اربط و سرکوب گنسانیکه اذایه فاش شدن ماهیت ملیسی سیروس نهاوندی و "سازمان" اتم میموردند و در وی نخستین و نه روشهای مته اول ارتجاع و تشکیل بیاند های ضربت به دست یازید تا هر که را که به امر قدس رسی افشای این دام گسترده می سازمان استتس اقدام نمیکند زسر بارانی از ممتد و لگد بترید و از آشکار شدن بیشتر ماهیت این توطئه جلوگیری نمایند.

آیا این از اینجه فریب و حیل و از ماب و سرکوب و دفاع آشکار و بی پرد و از این مزد و زار سازمان استتس و حملات کینه توزانه به گنسانیکه این توطئه می ساواک را افشا میموردند ، "موضع" "سازمان انقلابی" به پیشوی متارز و "سازمان انقلابی" در "اطلاعه" اخیر اعلام میدارد که گویا در طی این مدت طولانی مشغول کار تحقیقی و بررسی نسبتا طولانی ولی لازمه جمع آوری اطلاعات از منابع گوناگون و تحلیل از آنها "ستاره سرخ شماره ۷۳ شهریور ماه ۱۳۵۷" بود است - "سازمان انقلابی" آشکارا دروغ میگوید زیرا اگر چنین بود، چرا در طی این مدت که از فاش شدن ماهیت ملیسی سیروس نهاوندی و "سازمان" اتم میگردد، دست کم سکوت نمود و جمع نمائید به تبلیغ و زاری "رفیق کبیر" سیروس نهاوندی و سخن شایعات دروغ می بر آنکه نهاوندی در زیر شکمها ستر میرسد و احاط اطلاعاتی "سازمان آزاد بخش" دست یازیده و سبلی از نهد بد و اتهام را متوجه گنسانی ساخت که به افشای این توطئه می هستند انقلابی سازمان استتس میرسد اخذند؟! اگر چنین بود چرا در راه از فاش شدن این تحقیق و بررسی نسبتا طولانی و اطلاعاتی که از منابع گوناگون و تحلیل از آنها به دست آمده است؟ را نه در گذشته و نه در حال در اختیار چنین فرار نداده است؟! اگر چنین بود چرا حتی به ابتدائی ترین سوالاتی که در این مورد موجود است قادر به پاسخ گویی نبوده و در "اطلاعه" اخیر پاسخ آنان را از بیان طلب مینماید؟! "سازمان انقلابی" آشکارا دروغ میگوید! حرف از سوالات مطرح شده توسط "اطلاعه" سازمان انقلابی شده و این ننگه را اتم نگفته نگذاریم که علاوه بر آنکه برخی از این سوالات به حنا در رجعی ابتدائی اند که صرف طرح آنان در دروغ بزرگ "تحقیق و بررسی نسبتا طولانی ادعائی" سازمان انقلابی" را فاش میسازد و اکثر آنها یا به خود "سازمان انقلابی" بر میگردد و یا برای انحراف ساحتن ذهن بوده عنوان گردیده فاند. در سوالات اول "سازمان انقلابی" میبیزد: "سیروس نهاوندی از چه زمانی دست به عمل و جاسوس سیاسی گردید؟" و در سوال دوم: "به چه علت نهاوندی قادر شد اعتماد سازمانهای انقلابی را بر او قرار از زندان بخرد جلب نماید؟" "آینا از گنسانیکه در سوال و اندی به "تحقیق و بررسی نسبتا طولانی" و "جمع آوری اطلاعات از منابع گوناگون و تحلیل از آنها مشغول بود فاند، طرح چنین سوالاتی بعید نمی آید؟" بگذریم و در سوال سوم "سازمان انقلابی" میبیزد: "سازمان انقلابی" مخالفت سازمان انقلابی او (سیروس نهاوندی) در دست به ایجاد سازمان راه بخش خلقهای ایران زد و س... پس از فاش شدن مسئله ادامه همکاری با سازمان تا را زیر سوال قرار دادند... این دیگر اطلاعاتی است که نیست و در واقع فقط مدعی آن نوشته شده است که بگویند اختلافاتی هم با سیروس نهاوندی داشته اند و گرنه بر واضح است که از مناسبات "سازمان انقلابی" با سیروس نهاوندی

کسی بجز از خود نشان اطلاع ندارد و بنابراین سیروس از دیگران در این مورد سخت می نماند است و بنابراین سوال "موضع" اطلاعاتی دیگر واقعا اوچ ابتدال و مردم فریبست است، در این سوال "سازمان انقلابی" از دیگران میبیزد که سیروس نهاوندی "در راهی که شخصیتی بوده است و چه خصوصیات داشته که نتواند فرقه مانست، چگونه عمل میکرد و است و شیوه های کار او چگونه بود و است؟" آقا با آن سیروس نهاوندی "رفیق کبیر" شما نبوده است از دیگران میبیزد که هر شخصیتی داشته است؟! آیا اینان هستند که امروز نمی کنند؟!!

بهر حال همانگونه که ذکر شد، ما این نوع "موضع" کبیری "سازمان انقلابی" و "سوالات" او را - و اتم هم پس از تبصه تلاش مذکورخانه که در این دو ساله دار جلوگیری از فاش شدن این توطئه بخرج داده است - همچنین به شکستی میگرداند و فعالیتهای آن سازمان برای ختم گنسانیکه با آن آشنائی داشته اند حق سوالات بسیاری را بی جواب گذاشته است. "سازمان انقلابی" به قضا به سوالاتی که خید طرح کرده است، بلکه به بسیاری از سوالات مبصر با بسند پاسخ گویند. "سازمان انقلابی" باید بگوید چرا در طول بیش از دو سال پس از فاش شدن ماهیت ملیسی سیروس نهاوندی و ماهیت "سازمان آزاد بخش" به دفاع می سخن و چرا از آن مشغول بوده، اطلاعاتی های آنرا بخند میگرد و بهر طریقی در انقلاب نمایان سیروس نهاوندی و "سازمان" مانش میگوید است؟ "سازمان انقلابی" باید بگوید چرا در زمانی که رفیق ناصر کاخساز در زیر شکمهای مسعانه از تختمان ساواک با خطر مرگ تهدید می شد و تابع ساخت که ناصر کاخساز از زندان آزاد گردیده است و همزمان با آن در خالی که نهاوندی به فعالیت برای پدام انداختن انقلابی و کمونیستهای ایران ادامه میداد، شایع میگرد که "رفیق کبیر" سیروس نهاوندی در زیر شکمها "سازمان ساواک سر میرد؟" "سازمان انقلابی" باید بگوید چرا در مقام طول این مدت هر کوششی برای افشای توطئه می ساواک و دام "سازمان آزاد بخش" را از جانب میرو و سیا و عناصر انقلابی و مردمی ایران با سبلی از اتهام و تهدید بد پاسخ گفت و برای جلوگیری از افشای این توطئه حتی از تشکیل "کمیته ضربت" نیز ایا نمود؟ "سازمان انقلابی" باید به اینها و سوالات بسیار دیگری در این مورد پاسخ گویند و همینجا افشانه کنیم که فحش و اتهام و باسزا و جسد بد را نه در گذشته و نه در حال همیشه به عنوان جواب بساین سوالات جدی و حیاتی قبول نخواهد کرد، اکنون گنسانیکه به سمت نیروها و عناصر انقلابی و مردمی حین ما میسازد و "سازمان انقلابی" میبیزد به "اطلاعه" در دست و با توجه به کار تحقیقی نسبتا طولانی "سازمان انقلابی" دیگر هیچ جای فراری از پاسخ باین سوالات و انجوسسی از سوالات دیگری مانده است. این "سازمان انقلابی" است که باید پاسخ گویند و جنبش ما،

بهر حال، ما در زیر برای انضای بیش از پیش این توطئه که انقلابی ساواک که از طریق سیروس نهاوندی و "سازمان" اتم با حرا در آمد، برخی اطلاعاتی را که بدست آورده ایم در اختیار همگان قرار میدهم. نکته محاطر در عینی که "سازمان انقلابی" در این مورد از دیگران نبوده است، که در عینی نیز نظیر همه چیزهای دیگر در عین است و رفتارشان گنسانیکه در گذشته به فاش سازی این توطئه برداختند بزرگترین گناه این امر، بلکه باین علت که امید واریم باین طریق جواب تازه ای از این توطئه آشکار گردید، و بر تجربی نیروها و عناصر انقلابی جامعه در مبارزه بر علیه این سیاسی ایران بیافزاید.

با "فرار" سیروس نهاوندی از زندان، یکی از مهم ترین طرحهای ساواک برای به دام انداختن افراد و سازمانهای انقلابی ایران آغاز گردید که موجب وارد آمدن ضربات مزه رگی بر دیگر سازمانهای انقلابی ایران شد. تا آنجا که مسئله اطلاعات ما اجازه میدهد، ما با وکتبا با جواد راوردن این طرح توانست ضریات متعدد دی بر دیگر بسیاری از گروهها، سازش مانها و صاف و انقلابی ایران، از جمله سازمان جریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق، وارد آورده که مسا در این مقاله نمونه هایی از آنها را ذکر خواهیم نمود. مشاهده خواهد شد که توطئه ای که توسط سیروس نهاوندی به اجرا در آمد، شاید از لحاظ اهمیت و شدت و وسعت از ضریاتی که بر دیگر سازمانها و عناصر انقلابی ایران وارد آورد دست کمی از توطئه "عباس شهریار" نداشته باشد، اما باین لحاظ و بویژه رفیق به حیوانی اجرای این طرح و فاش سازی کلیهی اطلاعاتی که احتمالا گروهها و سازمانهای انقلابی ایران در میرد آن در دست دارند، همچنین افشای کلیه کوششهای میروانهای که از طرف "سازمان انقلابی" حزب توده در برای پوشاندن ماهیت و ایجاد این توطئه صورت گرفت، و مسلما حاوی درسهای آموزنده ای برای جنبش انقلابی و کمونیستی ما خواهد بود.

"فرار" سیروس نهاوندی از زندان ابتدا یک "فرار" ساده

آنان فقط به دلیل بکار رفتنشان بخانه صالح این جنبش جدا شد. ضد انقلابی بود. سازمان امنیت به خاطر بیسیستی گیری از هرگونه خطر احتمالی که میتوانست از طریق دراز کردن، کمزیر به بیرون آوردن آن توسط افراد صادق سازمان رها میخفتند. طرح او را تهدید نمیدادند. تعاید از قبل از قرار نهادن ختگی سیزدهمین نهادی و نیز بخلاف رویه معمول خود در زمان آن گروه از افراد زندان در روز هم جمع میگفتند و نهادی در این تجمع در باره افراد و اطلاعاتی که به دست آمد، «لو ترفته» بودند، صحبت میکردند و هشدار میدادند که امنیت این افراد و اطلاعات «لو ترفته» را حتما حفظ نمایند. بدین ترتیب دست سازمان امنیت برای استفاده و تعدی از آنها باز میماند.

علاوه بر مروت، صمیمیت و شواهد انگار نایب در دیگری نیز بر همکاری سیزدهمین نهادی با پلیس در طول اقامت در زندان و شناختی بودن قرار او میخیزد. از جمله اینکه سیزدهمین نهادی تنها کسی بوده است که از «بایگ» مشبه اطلاع داشته است و گویا قبل از قرار «خط» او نیز در تحویل دادن افراد صادق شاخه مشبه به ساواک شرکت جستند. است. همچنین در بین سالهای ۵۶ تا ۵۷ سیزدهمین نهادی نیز از راه توسط افراد مختلفی در حال رفت و آمد آزادانه این آزادی داده شده است که نشان دهنده همکاری او با سازمان امنیت میباشد. «تیز حالت» توجه است که پس از قرار او هیچ تغییری در اقامت امنیتی بیمارستان «۵۶» که ظاهرا از آنجا قرار گرفته است، بوجود نیامد و حتی از نگهبانان و سگولین حفاظت آن نیز تغییری بعمل نیامد که بهیچ وجه معمول ساواک نبود و فاش کننده است. ختگی بودن قرار سیزدهمین نهادی میباشد.

بهر حال سیزدهمین نهادی پس از قرار از زندان باز طریق تماس با این افراد «لو ترفته» و احتمالا برخی افراد وابسته به سازمان انقلابی حزب توده و سازمان آزاد بخش خلفای ایران را ظاهرا به دور یک خط مشی سنه و مرخلافی مبتنی بر الف مرحله تدارک و سازمانیابی و مرحله ششترش سازمان و ایجاد حزب و ج. و مرخلافی جنبش توده ای و بوجود میآورد. از لحاظ تشکیلاتی این سازمان از شاخه های متعددی که همگی مستقلا به مرکزیت واحدی متحد میشوند تشکیل یافته بود. در رأس این مرکزیت سیزدهمین نهادی قرار داشت که از طریق شاخه های مزبور نفوذ در جنبش و شناسایی گروهها، محافل و عناصر انقلابی را به عهده میبرد. شناسایی افراد و گروههای انقلابی و نفوذ در آنها به طریقه های گوناگونی صورت میگرفت که از گزارش شد هر مستقیم اعضاء سازمان به سیزدهمین نهادی تسامح ایجاد مخطبهای مناسب دیگری نظیر «اتحاد» به خلق شریک سازی و دانشجویی را شامل میگردد. بدین ترتیب فعالیتهای پلیسی سازمان آزاد بخش بطور کلی از سه بخش تشکیل یافته بود. هر بخش گویا به دایره معزوف بود است:

دایره اول: این بخش مربوط به عضوگیری، ایجاد طیفی از هواداران اطراف هر عضو و شناسایی دقیق کلیه افراد و گروههای سیاسی محیط فعالیت بوده است. پس اعضاء سازمان آموزش داده میشدند که ضمن «سازمان» سرشنسته ترین سازمانهای انقلابی ایران است و برای گسترش جویوش و نیز جذب دیگر گروههای سیاسی، نیازمند اطلاعات دقیق از افراد و گروههای سیاسی محیط میباشد. پس اعضاء سازمان باید کلیه اطلاعاتی را که در باره افراد و گروههای سیاسی محیط فعالیتشان به دست میآورد، ضمن جزئی ترین اطلاعات، از جمله مشخصات کامل افراد، شناسایی و روابط تشکیلاتی آنها با گروهها و سازمانهای انقلابی، کمونیستی را در کارهای سر بسته قرار داده و از طریق متفوقترین شاخهها به سیزدهمین سیزدهمین نهادی تحویل میدادند. سپس این گزارشات، توسط سیزدهمین نهادی، عموما به سازمان امنیت تحویل داده میشدند. ساواک از این اطلاعات که فقط در وارد آوردن ضوابط اخذ شده به دیگر سازمانهای انقلابی نبود، جهت اینکه در بازجویی از افراد نیز آنها را وسیعاً مورد استفاده قرار داد و مثلا با نشان دادن گزارشات شایع که افراد با دستخط خودشان تهیه کرده بودند و به سازمان داده نمیدادند، کوشش آنان را در افکار فعالیتهایشان خراب می نمود.

اینگونه گزارشی که از مشخصات کامل افراد سیاسی محیط و وابستگی های سیاسی و تشکیلاتی آنان تاکنون در هیچ سازمان انقلابی و کمونیستی ایران شناسایی نشده است. به سبب «سازمان» سیزدهمین نهادی آزاد بخش فقط سازمان انقلابی بود که است که اطلاعات و شناسنامه محیط آنکه اکثریت افراد وابسته به این تشکیلات نیز از این شبکه گزینش شدند نمود دادند. ضوابط گزارش بر افراد و گروههای انقلابی وارد آمده است که سابقه آن طواری نیز از تشکیلات سازمان انقلابی داشته است. اطلاعات وسیعی که توسط سیزدهمین نهادی سازمان انقلابی نظیر لاشائی در مورد افراد وابسته به دیگر سازمانهای انقلابی نیز در اختیار پلیس شناسایی ایران قرار گرفت و از طریق همین

نوع گزارشی که در دست او جمع گشته بود. نمونه ای از جنبش سابقه ای است.

طبیعتاً این نوع گزارشی که از طریق نفوذ پلیس در یک سازمان و به جهت ضعف یا احمقانگی کسی که اینگونه گزارشات را دریافت میکند، و چه هنگامیکه نظیر سازمان آزاد بخش به نام فعالیت و تشکیلات انقلابی بلند ام وسیع پلیس نیز در راه جیش ما گسترده میگردد و فقط میتوانست به گسترش دامن اطلاعات پلیس در مورد افراد و گروههای انقلابی کمک نموده و ضریبات وارنده بر جنبش انقلابی و کمونیستی ما را کاری تر سازد.

شاسنامه نظریه تجربیات سازمان انقلابی در باره این زمینه، بسیاری از عناصر صادقی که ناآگاهانه به همکاری با سازمان آزاد بخش مشغول بودند، با گزارشی حسی مشخصات کامل افراد سیاسی محیط فعالیتشان به سیزدهمین نهادی و ناآگاهانه نقش شاخه های حساس ساواک را ایفا می نمودند که ما در ادامه ای این مقاله به نمونه هایی از آن اشاره خواهیم کرد. این را هم نگفته اند که تمسک ادی از اعضاء این سازمان نیز که ما سخاقت زیاد نبودند، با آگاهی و احساس مسئولیت انقلابی نسبت به جنبش، از تهیه این گونه گزارشات خودداری نمودند. از جمله یکی از اعضاء صادقی این سازمان که در زندان گرفتار شد و است از اصرار پلیس از حدی که به جهت اینگونه گزارشات میدهد است به پلیس بودن سازمان آزاد بخش مطلق شد و بود و اینست که در سبب می نمود.

دایره دوم: این بخش از فعالیتها و سازمان آزاد بخش مربوط به نفوذ در دین سازمانهای انقلابی و کمونیستی میگردد. است. این بخش بر پایه اطلاعات دست آورده از فعالیتها و ابروی اول و بار هم تحت نظارت مستقیم سیزدهمین نهادی و با اعضاء دیگری که مستقیما بنا ساواک همکاری داشتند صورت میگرفته است. در این بخش اعضایی از سازمان موظف میگردد که با افراد معدنی که در تماس با گروههای انقلابی دیگر است نزد پلیده شده و بنا بر این داشتن نظریات و هویت سیاسی خوبی خود را از دیدار مشی آن گروه انقلابی نشان دهند و در دین گروه مزبور نفوذ نمایند. با تاکید بر سازمان امنیت در سالها اول، در مورد مبارزه با سازمانهای چریکی قائل بود. سیزدهمین نهادی نفوذ در سازمانهای مجاهدین خلق و چریکهای فدائی خلق را در رأس فعالیتها و این دایره قرار داده بود. این فعالیتها و تشکیلاتی که موجب وارد آمدن ضریبات متعددی بر دیگر سازمانهای انقلابی ایران گردید، برای افراد صادق سازمان اینگونه توجه میگردد است که سازمان آزاد بخش بخوان پیشروترین سازمانهای انقلابی ایران وظیفه دارد از طریق نفوذ در سازمانهای دیگر رفته رفته به گفته سیزدهمین نهادی «مشی خود را در دین آنها نفوذ دهد» و شرایط جذب آنان را مهینسا گرداند.

دایره سوم: این دایره شامل کارهای سازمان میگردد. به است که علاوه بر فعالیتها و دایره فوق الذکر، فعالیتها و دیگر سازمان نظیر تهیه اعلامیهها، ادارای حوزهها و ... را به عهده داشته اند. با این ترتیب سازمان آزاد بخش از همان ابتدا بصورت بلند ام گسترده ای پلیسی آغاز بکار نمود و از طریق گسترش خویش و شناسایی افراد و گروههای انقلابی و نفوذ در آنها و نیز از طریق کوشش برای ایجاد سازمانهای دیگری نظیر «اتحاد» به سرساز و وطنی و دانشجویی به جمع آوری اطلاعات دقت در مورد هیئت افراد انقلابی و شناسایی گروههای انقلابی و تحویل کلیه این اطلاعات به سازمان امنیت دست داد و ضریبات بی درستی و عظیمی بر دیگر سازمانهای انقلابی وارد آورد. در زمینه نمونه هایی از این ضریبات اشاره میکنیم:

ضریب وارده از طریق ارتباط رکنی راه از سازمان آزاد بخش با یونس آریاتانی: پس از آنکه سازمان آزاد بخش مطلع میگردد که احتمالا یونس آریاتانی با سازمان چریکهای فدائی خلق در تماس میباشد، به زکی زاده دستور داد و میباید که تمام کارهای دیگر خود را به زمین گذاشته و به نیال نزد یکی از یونس آریاتانی برود. آریاتانی با شخصیت خود، یونس آریاتانی فدائی در تماس بود و سخت جدا بود نیز در گروه چریکهای فدائی با بهر ارمغانی رابطه داشته است. رفیق خود را نیز قبل از دستگیری چندین بار مورد تعقیب قرار میگرد که بنا بر گفته خود ش بهیچ وجه دلیل آنرا نمیتواند برای خویش تحلیل نماید. بهر حال همین از جندی هم یونس آریاتانی و هم رفیق خود را مورد دستگیری میشوند. یونس آریاتانی پس از دستگیری ضیانت نمود و در یک ماهه تلویزیونی شرکت کرد و رفیق خود را نیز به حسنای محکوم میگردد.

ضریب وارده از طریق ارتباط چلبان بخش از طرف سازمان آزاد بخش با حسین صفاری از چریکهای فدائی: این دو و بهر حال بوداقت. جهان بخش جز او اطلاعاتی از رابطه حسین صفاری با چریکهای فدائی به سازمان

آزاد بخش اطلاع میدهد. اما جندی بعد خود به حاجت پلیس سازمان آزاد بخشین بی برده جسته را با صفا در میان میکند. صفای در تذکره برای مخفی شدن خود دیده است که در تکریم میگردد. در صفره وارده از طریق جلال دهقان از افراد سازمان آزاد بخشین: این شخص با دو نفر از سازمان جریکهای فدائی خلق بنام فردین ابراهیمی و اکبر وزیری تماس داشته و گزارش آنها را به سازمان آزاد بخشین داده بود و است. هر دو رفیق فدائی شهید شدند.

صفره وارده از طریق رفیق جندی از اعضای سازمان آزاد بخشین با عباس خوشنودن: رفیق عباس خوشنودن از دست رفیق امیر پرویز پویان در سال ۴۹ دستگیر و پس از سه سال آزاد میشود. پس از آزادی از زندان مجدداً به سازمان جریکهای فدائی خلق میبویند. بعد از مدت ها یکی از افراد "سازمان آزاد بخشین" در ارتباط میافتد. و از این طریق لو رفته و در سال ۵۰ توسط پلیس به رگبار گلوله بسته میشود. و شهادت میبرد.

خواهر یکی از اعضای "سازمان آزاد بخشین" با یکی از عواداران فدائیان بنام وید (گلی) آبتکاری آشنا بوده است و اطلاعاتی را که بدست میآورد و است به برادرش می دهد و او نیز در اختیار "سازمان" قرار میآورد است. خوشختانه او آنجا که وید با فقط برخی از خانواده های رفتاری فدائی در تماس بوده و اطلاعاتی که از این طریق به دست میآورد رسیده و موجب طلعات جدی ای نگردد.

صفره وارده از طریق "سازمان آزاد بخشین" به سازمان محاهدین: مسعود صامی از "سازمان آزاد بخشین" با محمد اکبری تماس داشته است و محمد اکبری با علی اکبر نسبی نوری از سازمان محاهدین خلق رابطه داشته است. مسعود صامی پس از مدت ها به حاجت پلیس "سازمان" خود میرود. و با عده های دیگر از "سازمان" جدا میشوند و بلافاصله مورد تعقیب شد. پلیس قرار میگیرند و گویا ۸ نفر از آنان توسط پلیس به شهادت میرسند یا اعدام میشوند. اما قبل از این مسعود صامی تحلیل خود را در مسعود پلیس بودن "سازمان آزاد بخشین" با محمد اکبری و اکبری با علی اکبر نسبی نوری از سازمان محاهدین خلق در میان میگذارد. رفیق علی اکبر نسبی نوری نیز آرزوی رفیق بهرام آرام مند شد ولی تحلیل منور از طرف رفیق بهرام آرام یافته نمیشود و رد میگردد. مطابق با یک منبع مؤسسه رفیق علی اکبر نسبی نوری قبل از شهادت در زندان گفته بود است که: "من در ظرف یکی دو هفته پیش از ۲۰ خرداد عویض کردم و ام ولی ردهای ناک شدنی نبوده است" که نشان دهند و قابل نفوذ بودن در مباحثات که از طریق ارتباطات ذکر شده در رفیق قابل فهمند.

صفره وارده به سازمان محاهدین: یکی از اعضای "سازمان آزاد بخشین" بنام جگنجر طوفانیان با رفیق عبدالله امینی از سازمان محاهدین خلق ایران تماس و آشنائی داشته است و درباره او به "سازمان آزاد بخشین" گزارش داده بود. رفیق عبدالله امینی در سال ۳۰ در مشهد دستگیر میشود و پسین بطور مخفیانه اعدام میگردد. (حکومت اعلام نمود که وی در درگیری با پلیس کشته شده است.) با آنکه مطابق با اطلاعات موجود رفیق عبدالله امینی از طریق دیگری نیز توسط پلیس شناسایی شده بوده است، اما این رابطه نیز احتمالاً در آن صمیم داشته است. پس از سال ۵۰ که حاجت پلیس گروه برده های از اعضای فاش گشت و طوفانیان از تیمر اینکه عبدالله امینی باعث گزارشات او به پلیس لو رفته بوده است دچار طلعات روانی شدید گردید. اینها فقط نمونه هایی است از ضربات بسیار گسترده و تری که از طریق این دام پلیس بر سازمانها و گروههای مختلف وارد آمد. و باعث لو رفتن بسیاری از گروهها، دستگیری و اسارت بسیاری از انقلابیون و ریخته شدن خون کمونیستها و انقلابیون بسیاری گشت که ضامو مبارز و مدافع را هم که ناآگاهانه در این "سازمان" فعالیت میکردند درگیر میکرد. این ضربات با آنچه گفته رفته در این برخی از عناصر میآید این "سازمان" سهولتی در مورد فعالیت آن ایجاد آورد که بالاخره به کشف ماهیت پلیسی "سازمان" انجامید. در این مورد به ویژه یکی از شاخه های "سازمان" از ضربات وارده بر هر گروه و فردی که با آنها در تماس میآید فتاده است در عین همین ماندن خود شاخه تماس گیرنده به سیروس نهادنی مطنون گردیده و برای اثبات بار نتیجه گیری خود دست به اقداماتی میزند. اینان متوجه میگردند که تمامی گروهها تکیه با "سازمان" در تماس قرار میگیرند و گزارش آنان به "سازمان" داده میشود است پس از مدت کوتاهی مورد ضربات پلیس قرار میگیرند. در حالیکه خود "سازمان" هرگز از این بیاعتنائی منخورده است. در پیگر اینکه هر فرد یا گروهی که انتقادات جدی طرح میساخته است یا در زمینه نفوذ پلیس در "سازمان" سهولتی را متوجه نمیشود است مورد ضربات پلیس قرار میگیرد است و افرادش دستگیر میشدند. (مثل نمونه فوق الذکر مسعود صامی

و افرادی که با او ارتباط داشته اند). همچنین، شاخه منور با سرکشی به خانه های "این" متوجه میگردد که این خانه ها از هیچ پوشش امنیتی برخوردار نیستند و با تعقیب سیروس نهادنی که قرار بوده است ظاهراً در شرایط کاملاً مخفی زندگی نماید متوجه میگردد که تنها آزادانه به همه جا سیر میزند بلکه حتی شبها به کاباره میرود.

شاخه منور برای تکمیل اطلاعاتش جلسهای با سیروس نهادنی تشکیل میدهد که در طی آن فقط برخی از نکات به دست آمده را با او مطرح میکند اما از اینکه خود او مورد سوء ظن قرار گرفته است مطلقاً اظهار نمیشود. نهادنی که هنوز امید وار بوده است که بتواند ماهیت واقعی خود را پوشیده نگه دارد، بلافاصله با حسینی مسئول ستران تماس میگیرد و به او اطلاع میدهد که پلیس از طریق شاخه منور در "سازمان" نفوذ کرده است. اقدامات شاخه منور را نیز به حساب همین رخنه پلیس میگذارد. به بنویسد نهادنی قصد داشته است تا قبل از آنکه خود مورد سوء ظن قرار گیرد با توسطهای حساب شده شاخه منور از زمان برادر او اما در همین هنگام از طریق تماسی که با یکی از اعضای شاخه منور میگیرد مطلع میگردد که در واقع ماهیت پلیسی این شاخه منور آشکار گردیده است. نهادنی بلافاصله تلگرافی همی مسئولین را به برقراری نخستین در منزلی در کرج و جمع میماند و در روزی موفق به دفعه قبل از آغاز جلسه همی توسط پلیس دستگیر میشوند. سیروس نهادنی "اتفاقاً" بر سر قرار حاضر نشده بود. شاخه منور فوق الذکر نیز مورد یورش پلیس قرار گرفته و بسیاری از اعضایش شهید میشوند.

از نکات دیگری که در مورد این دام گسترده پلیسی باید ذکر نمود یکی هم این است که "سازمان آزاد بخشین" ظاهراً برای "تامن" مفاخر خویش یک شرکت مشاوره کاری در شیراز در این گروه بود که پس از کشف ماهیت پلیسی نیرو بدستگیری و شهادت عناصر عادی آن، دست نخورده تحت نظارت همان مسئول قبلی اش بنا کار خود ادامه میداد. این امر نشاندهنده است که به جز سیروس نهادنی و افرادی دیگری نیز در "سازمان آزاد بخشین" بود فاند که مستقیماً با ساواک همکاری داشته اند.

بهرحال، پس از اسارت و شهادت عناصر عادی که بدانسته در این دام پلیسی افتاده بودند، سازمان امنیت با اطلاع برخی اخبار دروغ در مورد درگیریها و جنگونی شهادت برخی از اعضای سابق این "سازمان" باز جسم کوشش نمود که هویت پلیسی سیروس نهادنی را از جنبش انقلابی و کمونیستی پنهان نگذارد تا کماکان از او در دست دام انداختن عناصر و سازمانهای انقلابی استفاده نماید. اما رفته رفته اطلاعات مختلفی که از جنگونی فعالیتها میآید نهادنی و ضربات وارده بر گروههای مختلف به دست بخشهای دیگر جتنس رسید. ظریف تمام تلاش سیروس نهادنی که "سازمان انقلابی" در انقلابی نمایانند سیروس نهادنی و "سازمان آزاد بخشین" ایجاد داد و جهت پلیسی این مرد در سازمان امنیت و "سازمان" این را آشکار گردانید و بدین ترتیب به یکی از خوشترین ترین طلعات های سازمان امنیت نقطه پایانی گذارده شد.